

فکر و تحقیق

قسمت اول

دکتر سید محمد داماد

آمار بازمانده از روزگاران گذشته، خواه منظوم یا منثور، سرمایه‌های اصلی و واقعی و ظریف بیان فرهنگ ما و شیرازه کتاب تاریخ و دست افزار تحقیق و پژوهش در ادب و فرهنگ و معارف کشور ما است و شناختن و شناساندن آن بر هر یک از ایرانیان به طور عام و دوستداران زبان و ادب فارسی به طور خاص و آگاهان به رموز و دقائق و لطایف و ظرایف فکر و دانش و فرهنگ به طور اخص از مقوله فرایض است.

تحقیق و پژوهش، نه تنها فی نفسه وسیله نیست بل که غایت و هدف است. این اندیشه، معلول تفکر مادی و مقتضای گرفتاری‌های زندگانی در روزگار ما و اسارت در سراچه ترکیب است که گاه و بیگاه حتی برخی از خردمندان مایه‌ور نیز از خود یا دیگران می‌پرسند که تحقیق در باره فلان موضوع علمی به چه درد می‌خورد.

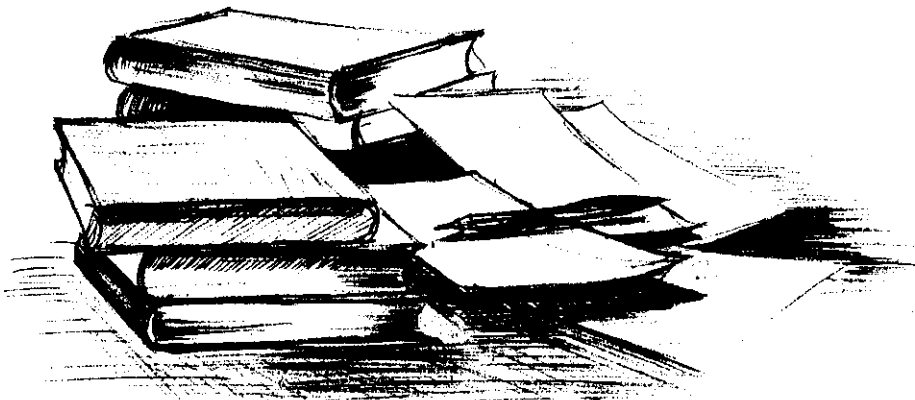
شک نیست که این قبیل پرسش‌ها ناشی از تنگناهای زندگانی و نارسایی‌های اقتصادی عصر ماست. برای مثال همان طور که شخصی بدون شناختن زندگی و با صرف وقت بسیار یک

گلدان کریستال را با صرف هزینه و تحمل پرداخت مبلغی در خور توجه انتخاب و خریداری می‌کند و یا برای به وجود آوردن محیطی سالم و روح نواز که بر رونق قلمرو کار و فعالیت و بهبود فضای تنفس بیفزاید - اعتبارات فراوان تخصیص داده و از آن سلامت روح و بهبود محیط زیست و نزدیکی بیش‌تر به طبیعت و پرهیز از تصنع و تکلف را منظور نظر قرار می‌دهند به همین گونه، کار تحقیق در ابعاد گوناگون مسایل دانش و معرفت و ادب و فرهنگ، هر چند در بادی امر - پاسخ گفتن به یک نیاز طبیعی و درونی به منظور رفع عطش کنجکاوی است اما هر گاه با ایمان و اعتقاد و بدور و برکنار از هوس‌های فردی و شخصی باشد - بدون تردید نتایج آن جنبه همگانی و عام می‌تواند پیدا کند و تقوایی را که متضمن معرفت عمومی و عاری از غرض خصوصی است - فراهم سازد. علاوه بر آن که نتیجه تحقیق علمی، پیشرفت و توسعه است و هر گاه در جهت صحیحی به کار افتد، ضامن استقلال علمی و پشتوانه غنای فرهنگی می‌تواند باشد و اگر بپذیریم که رشد و توسعه

اقتصادی و اجتماعی با رشد و توسعه تفکر علمی و افزایش امکانات تحقیق و پژوهش - رابطه‌ی مستقیم دارد، آنگاه تحقیق و علم‌آموزی در هر زمینه نه تنها هدف نیست بل که وسیله است برای استفاده به‌تر و بیش‌تر از امکانات و منابع موجود جامعه در راه رشد فرهنگی و افزایش رفاه مادی افراد. دامنه کار پژوهش و تحقیق کاربردی و کاوش‌های علمی و دستیابی به مجهولات در کشورهای پیشرفته نیز آن چنان سریع آهنگ و گسترده و وسیع است که تنها با آموزش و یا استفاده از معلومات و تجارب دیگران به تنهایی نمی‌توان به ایجاد تفکر علمی بویا و مستقل و خودکفایی در کار تنبع و تحقیق رسید.

با توسعه تحقیقات علمی و تربیت کارشناسان مجرب در هر زمینه و ایجاد قابلیت علمی کافی برای تحقیق و پژوهش و کاربرد روش‌های نظری و تجربی و علمی و فنی است که هر کشوری می‌تواند از صورت واردکننده فکر علمی و روش‌های فنی دیگران - که در اغلب موارد به خاطر عدم انطباق با شرایط گوناگون بومی و جغرافیایی در کشورهای واردکننده با شکست مواجه شده و دستاورد مطلوب و منظور را به بار نیاورده است - بی‌نیاز گردد. و در سایه اعتماد و اطمینان به نفس - خود به طور مستقل اما با برنامه‌ی دقیق و صحیح - قدرت ابداع و ایجاد روش‌های علمی و فنی مورد نیاز را بیابد.

البته حل همه مسایلی که مورد بررسی و تحقیق پژوهشگر قرار خواهد گرفت - کار چندان آسانی نیست بل که مستلزم فداکاری و کوشش بسیار است. اما هر گاه از پراکندگی نیروها جلوگیری شود و توجه پژوهشگر به جانب صحیح معطوف گردد و مسأله مورد پژوهش بدون برده‌پوشی و به صورت غریبان مطرح شود در بیش‌تر موارد به پاسخ می‌انجامد و نتایج بسیار محسوس و مطلوب در بر خواهد داشت.



نسیان کند» (۲) بدون تردید از مصادیق کلام «سعدی» در «گلستان» آنجا که گفته است:

شب چو عقد نماز می‌بندم
چه خورد بامداد نسرزدم
باید خارج باشد و تأمین یک زندگانی مشروع
برای محقق و پژوهشگر - از لوازم اولیه‌ی بی
است که در وصول به دستاورد مطلوب، تأثیر
عمده‌ی از خویش بر چا می‌گذارد.

هر چند تکنیک پژوهش در قلمرو تحقیق به
منظور آفرینش نقشی والا دارد اما عامل
ضروری «الهام» است. اگر چه امروز تا حدی
این واژه درونمایه خود را از دست داده است
ولی پژوهشگر از این که اعتبار گذشته این
واژه را احیاء کند - نه تنها اهمه‌ی بی ندارد
بلکه از آن استقبال می‌کند. زیرا «الهام» به
محقق امکان می‌دهد که اگر بواقع حرفی برای
گفتن دارد، بگوید و ناگفته پیداست که با
گذشت سال‌ها و سیر و سلوک در قلمرو
پژوهش - برای محقق چندان دشوار نخواهد
بود که چگونه از عمق وجود و نبوغ خود
«الهام» گرفته، آن را شکوفا و بارور سازد.

در سایه ریاضت‌های علمی و دستیابی بر
مهارت‌ها و توانایی‌های عملی - محقق در
برابر گرایش‌های مختلف و در صحنه‌ی محرکه

و اصل، ز حرف و جون و چرا، بسته است لب
چون کاروان رسید، جرس بی‌زبان شود (۱)

لب از گفتار برمی‌بندد و اگر چه حاصل کار او
- بخشی عظیم از حیات فعال و عمر خالص و
مفید او را شامل می‌شود اما وی از انتشار آثار
خویش نیز به منظور دستیابی به کمال بیش‌تر
خودداری می‌ورزد و امروز را به فردا می‌افکند
و این مسأله اگر به وسواس نینجامد که خود
بلای جان محقق است، معرف علاقه بیشتر و
افزون‌تر او به اعتلا و کسما در پژوهش و
تحقیق می‌تواند باشد.

برای محقق این نکته درخور اعتنا و توجه
است که در سایه تحقیق بتواند چیز تازه‌ی بی
ارائه کند و به خوانندگان و استفاده‌کنندگان از
دستاوردهای پژوهشی خویش چیزی تازه بیاد
دهد و حاصل کارش، معرف آن باشد که در
کارش چیزهایی کشف کرده است که پیش از
آن حتی گمان نمی‌کرده است، وجود دارد.

با گذشت سال‌ها، شاید یکی از بزرگ‌ترین
مسائل یک محقق - یافتن مصالح کار نیست
بل که انتخاب آن‌هاست. اما به هر حال از بیاد
نباید برد که تحقیق کاری است که باید با
جمعیت حواس و آرامش خاطر و کانونمندی
انجام پذیرد و آن که بخواهد «خاطر از تفکر

برخورداری از دستاوردهای علم و دانش
برای نیل به هدف‌های ویژه تحقیق - یکی از
مهم‌ترین نکات حیات علمی هر محقق و
پژوهشگر است. هرگاه هدف محقق، ایجاد
شالوده‌ی قانونی برای «نوآوری» باشد، بدون
تردید غیرممکن است بشود دستاوردهای زمان
گذشته و حاصل عمر پژوهشگران پیشین را به
دست فراموشی سپرد و از آن بهره نگیرد. از
این رو به منظور کامیابی و برخوردارگی از
حاصل پژوهش‌های تازه - ناگزیر باید سنت،
تحقیق و نیز دستاوردهای علمی روزگاران
گذشته را نیز منظور نظر داشت. به عبارت
دیگر محقق هر چند روی به آینده دارد اما ریشه
و پایه و مسأله خود را ناگزیر است همواره در
گذشته پایدار بدارد و مقایسه سابقه را با خاتمه
هیچ‌گاه از یاد نبرد.

با گذشت زمان، محقق چیزهای بیش‌تر و
نکات تازه‌تری در باره موضوع تحقیق خویش
می‌آموزد. و در عین حال قوه انتقاد از خود را
نیز رشد می‌دهد. و بیش از پیش از اظهار نظر
قطعی تن می‌زند و بتدریج آن چنان در موضوع
پژوهش استغراق می‌یابد که از ماسواه بکلی
انصراف پیدا می‌کند و به وصول و شهودی
می‌رسد که به مصداق:

آراه نه تنها آسیب‌پذیر نیست بلکه مصونیت می‌یابد و از مسیر تحقیق هیچگاه انحراف نمی‌پذیرد و بتدریج به آفرینش «معیاری» توفیق می‌یابد که آن را نادیده نمی‌توان گرفت. هر چند خلاقیت و آفرینش پژوهشگر - مستلزم نابود ساختن معیارهای پیشین تحقیق نیست اما او در سایه خلاقیت راستین خویش - برای مدتی راه را بر ارائه آثار جدید به گونه‌ی برمی‌بندد که هر امری که دیگران ارائه دهند - تا حدودی دست‌دوم تواند بود. و این است افق تازه و نوینی که محقق برای آیندگان فرا می‌نماید.

محقق، هیچ‌گاه بر آن سر نیست که بسا بهره‌گیری‌های سطحی و بسا تلاش در نوآوری‌های فنی - مخاطبان و برخورداران از حاصل کار خویش را در شگفت آورده، احساسی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. بلکه عمده تلاش او، متوجه درک مضمون ماوراء طبیعی و تأثیر پژوهش در عمق روح و ژرفای روان دیگر افراد است.

ایجاد سنت‌های تحقیق به منظور گسترش تفکر علمی و بسط زمینه‌های رشد و توسعه از طریق پژوهش، خود نیازمند امتداد زمانی و برنامه‌ریزی‌های جدولی و دقیق زمان‌بندی شده و عملی دارد و شاید در سراسر جهان - دانشگاه‌ها تنها مؤسسه‌هایی هستند که ماده اولیه تحقیق و پژوهش، یعنی محققان و دانشوران را می‌سروراندند. از این رولازمست هرگونه افزایش کمی در دانشگاه‌ها همواره متناسب با میزان آمادگی و توانایی کیفی و مطابقت بسا اصلی بسیار معتبر «Academic standard» صورت گیرد و همراه با ارتقاء سطح قابلیت علمی و آموزشی، دانشگاه‌ها با تربیت کارشناسان تحقیقاتی مجرب، در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی مشارکت فعال دارا باشند.

شاید اصول عام و دستور کار تاملی را که هر محقق و پژوهشگر در کار پژوهشی خویش باید منظور نظر قرار دهد - بتوان چنین خلاصه کرد:

۱ - دقت در مشاهده و تفحص و کسب آگاهی و نگارش منسجم و طبقه‌بندی شده یافته‌ها.

۲ - برخورداری از اعتدال فکر و اصابت نظر در تحقیق.

۳ - رعایت اصل امانت و دقت ضبط در کلیه مراحل تحقیق.

۴ - عدم تعصب و جمود در مسایل تحقیقی و داشتن روح انصاف.

۵ - پویایی اندیشه و دارا بودن نبوغ و قریحه خلاق و ابتکار.

۶ - رجحان إلهام و آفرینش بر تقلید و اقتباس.

۷ - دارا بودن قدرت استنباط و برکنار بودن از اوهام و بهانه‌های عامه‌پسند.

۸ - آینده‌نگری و جهان‌بینی در پژوهش.

۹ - کاربرد تجربه در علم و پرهیز از شتاب در داوری و احتیاط در اظهار نظر قطعی.

۱۰ - استیلا و آگاهی بر زبان‌های علمی زمان.

با رعایت اصول فوق، شاید بتوان گفت تحقیق و تتبع به منظور کشف افق‌های تازه و سبقت گرفتن از خط مشی معمول به منظور اعتلا از مرحله تقلید به اجتهاد و از پذیرش به آفرینش است.

پژوهشگری که در صحایف ایام زندگانی علمی و پژوهشی خویش می‌نگرد، انتظار دارد که در مقابل رقمی که در دفتر پژوهشی خود زده است - احساسی سرشار از خرسندی داشته باشد و به ملامت وجدان گرفتار نگردد. دستاورد پژوهشگر - بازمانده لحظه‌های برق سیر و تندپوی ایام عمر اوست که هر چند به جست و جوگری گذشته است و اگر چه همواره با نیل به مقصود همراه نبوده است اما پژوهشگر را پیوسته از لذت شوق و پیوه‌وری بهره‌مند گردانیده است. و از آن رو که برای وی بدیهی است که بدون تمسک به حیل متین علم و تحقیق، هرگونه ادعای نیل به کمال باطل و نارواست - شاید تنها آجر روحانی و معنوی

حاصل از تکاپو و جست و جو و سرگرمی و اشتغال به تتبع است که به گونه‌ی می‌تواند او را راضی و خشنود نگاه دارد به این امید که بسا ادامه و استمرار آن حاصل کار خویش را بارورتر بیابد و حرفی تازه بر دفتر گذشته بیفزاید و ملامت و انسرذگی را از سیمای کار خویش بزدايد و در نتیجه برخورداران آثار خویش را با افکاری بدیع آشنا ساخته، آن‌ها را نیز در لذت کشف امور مجهول با خوشستن سهم گرداند (۴).

محقق هیچ‌گاه نباید از یاد برد که آدمی - محدود و اسیر و خانه خراب عالم خاک و زندانی در جهات بسته و در سراجة ترکیب خخته‌بند تن است و از این رو فراموشکار و خطاکار است که «الإنسان مَحَلُّ السُّهُوِ وَالنَّسْيَانِ». هر چند استفاده از خزانه حافظه در شمار عوامل کامیابی پژوهشی وی می‌تواند باشد اما اعتماد مطلق به حافظه را خطا باید بداند.

وجود «روح علمی» موجب می‌گردد که محقق و پژوهشگر را همواره به ژرف‌نگری و اندیشیدن درست رهبری کند و نگذارد که کارها را آسان و خرد بگیرد و به پایمردی چنین روحیه‌ای است که پژوهشگر همواره از شتاب می‌گریزد و هنگام برتری نهادن نکته‌ای بر نکته دیگر از انصاف بدور نمی‌ماند.

انصاف به انصاف در تحقیق علمی باعث می‌شود که پژوهشگر بر خود سخت گیرد و سهو و اشتباه خود را نیز نادیده نینگارد و هرگاه در سهو و اشتباه افتاد، بسختی تمام بر خود پیچد و با اتخاذ تدابیری صحیح در رفع آن سهو بکوشد تا سبب گمراهی دیگر جویندگان دانش و معرفت نگردد و از این رهگذر است که در رسیدن به مقصود و دستیابی به تحقیق درست و صحیح کامیاب می‌شود و با نمایش ژرفنای تحقیق و پژوهش و وسعت دایره و پهنة دانش و معرفت - از پرورش قلم خطانویس به سهم خود و به موجب فرایض حرفة خویش جلوگیری می‌کند و بدین ترتیب، نمونه و فرد

اول دقت و احتیاط در کار تحقیق بشمار می آید و ارج و مقامی والا پیدا می کند.

پژوهشگر بخوبی واقفست که تازمانی که هنوز در فنون گوناگون ادب و ابواب و فصول نقد و بررسی ادب و فرهنگ و دانش و معرفت و شناخت امتیاز خوب و بد سخن و غث و سمین آن دستی ندارد - کمال لزوم را دارد که در طی طریق تحقیق بسیار دست به عصا راه برود و تا حصول یقین قطعی و وصول به سر منزل مرتبه معرفت شهودی - از اظهار نظر قطعی و جازم همواره خودداری ورزد. شاید مفاد و مدلول شعر ذیل - بتواند مصداق تام کیفیت سلوک در طریق تحقیق و معرفت ظرافت مکتوم در آن باشد:

تو چون موری و این راهیست همچون موی مهر و یان
مرو ز نهار بر تقلید و بر تخمین بر عیاش
راسب است که «تنوع» چاشنی زندگیت
اما در قلمرو پژوهش، محقق به خاطر رعایت تنوع، حق ندارد تا از این شاخ بدان شاخ برود و مداول «آشفته سخن چو زلف جانان خوش تر»^۷ را بکار بندد و کارنامه پژوهشی او مصداق تام «همچو فکر عانقمان بی پا و سرا» باشد بل که موظف است که پس از تکمیل تحصیل و مطالعه و تفحص و سیر در آثار و افکار پیشینیان و استیلا و احاطه بر جوانب اندیشه آنان و اطلاع تام و کافی به آثار قدما و متأخران و اشراف کامل بر مباحث مورد تحقیق - به اجتهاد و اظهار نظر پرداخته - بعد از پروراندن مبانی اندیشه خویش با سبک خاص و روش مخصوص عقاید و آراء خود را به صورت تألیف و تصنیف در آورده، در معرض استفاده اهل فن قرار دهد. و به هر حال از دقت نظر در مباحث به حد اعلا برخوردار باشد و به آراء و اقوال اهل دانش و معرفت در آن زمینه و قوف کامل داشته، به سرمایه سرعت انتقال و صحت و صفاوت قریحه و ذوق سرشار، قدرت فکر و قوت استعداد کم نظیر در تحقیق معضلات و حسن سلیقه در انتخاب مطالب،

روشنی ضمیر و اعراض از نجملات ظاهری و اشتغال تام به ریاضت و مجاهدت و انصاف به فضایل عالی اخلاقی نیز آراسته باشد. بسیاری از مردم عادت دارند تا نخست ببینند و آنگاه ببینند. بدین معنی که از راه فکر، نخست امری را در نظر خود مجسم می سازند و شاید بتوان گفت در پیش گرفتن راه و رسمی مبتنی بر بیش واقع بینانه - به دلیل نقصان بضاعت فکری و خلاء فرهنگی با مسایل خاکی بیش تر طرز برخوردی افلاکی دارند. در این قبیل موارد تنها «سیروی از طبیعت» می تواند چشمان پژوهشگر نکته سنج را گشاده نگاه دارد و آراء محققانه وی را با اعتدال و قفار و طمأننتی علمی قرین سازد و به کشمکش میان «پندار گرایی» و «واقع گرایی» تا آنجا که بر عهده پژوهشگری دوستدار کشف حقیقت است - پایان بخشد و با آن را به کم ترین سطح ممکن تقلیل و تنزل دهد.

برای مثال نمونه های کامل عیار از ساده لوحی و زودباوری و سلامت باطن بسیاری از حفاظ مشهور، که فقط «مخزن حدیث» بوده اند و صدها حدیث با اسانید آنها و اسامی رؤات و طرق مختلف روایت آنها که بعضی حتی تا یک ملیون حدیث! در حفظ داشته اند [ذیل عنوان جمع الجوامع، حاجی خلیفه] می توان یافت که به هر حال از هر گونه قضاوت و انتقاد موازنه قضایا با ترازوی عقل و عادت و عرف و منطق و قیاس هزاران فرسنگ بدور بوده اند.

برای محقق این نکته از بدیهیات است که خلط و خطا می تواند از لوازم هر گونه نقل و روایت باشد و تازمانی که روایتی بر اسناد موق و تردیدناپذیر مبتنی نباشد - می تواند از درجه اعتبار و استناد عاری باشد. البته تواتر و شیاع روایت برای ذهن پژوهشگر و سواس پیشه ممکنست بسیار و سوسه انگیز باشد و او را از قلمرو تعقل و تدبیر و سنجش منطقی به ورطه لغزش و پذیرش بر اساس تلقین و تبلیغ سوق دهد. محض مثال برای پژوهشگر در آثار

صوفیه و عرفا باید مسلم باشد که بسیاری از روایات و حکایات درباره آنها از روح کرامت پذیری خالی و از اغراق و شیفتگی و مبالغه بر کنار نیست.

به هر حال «فقدان کنجکامی محققانه» و یا به قول «جلال الدین محمد» «افت ناشناخت»^۸، ممکنست محقق را به لغزش های غیر قابل جبران دچار سازد. تنها با استقصا و غور در کلیه جوانب تحقیق است که پس از ارزیابی تام از قدرت استنتاج و برآورد از حدود عقل و برهان و رفع هر گونه اعتراض و ایراد از آنچه پژوهشگر با سوخت زیت دماغ و فکر ابداع کرده و یا از دیگر مصادر و مآخذ به دست آورده است - وی را از خطر «داوری شتابزده» و یا «عدم اِنقاع آرباب نظر» ایمن می سازد و به این ترتیب از اقوال غیر برهانی و مغایر با عقل و عرف و عادت و احیاناً متضمن مطالعه پرهیزد و به توفیق و عنایت خداوند از شرارت و تمویه آرباب اغراض و یا تلبیس و تدلیس اهل ظاهر و یا همهمة عوام و غوغای جهال مصون و محفوظ باشد و مآل اندیشی همراه با پرهیزگاری تا آنجا که ممکن است وی را از هر گونه خطا و گمراهی حفظ کند. بدین جهت محقق همواره در تفحص و تجسس است تا برای اثبات نظر و مقصود خویش، سندی مسلم و معتبر به دست آورد و بدان وسیله حدس و ظن خود را به عقیده بی ثبات و مدلل و راسخ تبدیل سازد. او بر این باور است که برای اثبات هر گونه مدعا و متقاعد ساختن دیگران به ویژه مدعیان جسور و خرده گیران و بی ادبان از انصاف دور - که همواره بر آن سرنند تا زبان به گستاخی و جسارت گشایند - دلایل ضعیف نمی تواند کامل و قطعی و مورد استناد باشد و اسناد معتبر و قابل اعتماد لازم است. پژوهشگر در آنسای کساوش و تتبع در رهگذار تحقیق، گاه از نیل به مقصود و مطلوب خویش، ممکنست قرین یأس و نومیدی گردد اما این نومیدی هرگز نباید او را از تحصیل

سند و مدرکِ قطعی باز دارد و تنها به حدس و خیالِ راضی شود بل که باید ببیندش و خود را امیدوار سازد که بزرگان و دانشمندان بیهوده نگفته‌اند «عاقبت جوینده، یابنده بود» و هر که بکوشد سرانجام به آرزوی خویش نایل می‌گردد. «حافظ» نیز سروده است:

گرچه وصالش نه به کوشش دهند
آن قدر ای دل که توانی بکوش^{۱۱}
و یکی از عوامل موفقیت تلاشی و کوشش آدمی برای دستیابی به مقصود است ولی همه عوامل موجب برای تحقق آن نیست به عبارت دیگر اگر کوشش شرط لازم برای وصول و وصال به مأمول باشد که هست - شرط کافی نیست اما شعار محقق و پژوهشگر همواره «صدق و اخلاص در طلب» است که گفته‌اند: در طلب می‌گوئیم از بسایم زهی سخت بسلند ورنیایم، هتم افتد بزرگان را پسند طالب صادق در سایه صدق و اخلاص سرانجام به مطلوب خویش می‌رسد. و تنها در سایه جست و جوی مدام و اهتمام بر دوام است که پژوهشگر را به تحصیل دُری تمین ممکنست سرفراز گرداند که از نوائب آیم و صرصر حوادث سالم جان به در برده و از تصرف و تحریف و متصرفان محفوظ مانده، دستیابی بدان کلیه پندارگرایی‌ها را باطل ساخته، مسلم و معلوم می‌شود که حدس و عقیده بدوی او صائب بوده و آنچه را که دیگران در آن زمینه شتابزده و یا علی‌العمیا گفته‌اند بکلی نادرست و از منهج تحقیق بدور بوده است.

از آن جا که ارزش قول کسانی که عرصه حیات را بدورد گفته و مطالبی از آنها برجای مانده است و هرگز در حد یقین علمی به صحت آنها نمی‌توان اطمینان یافت - یکی از دشواری‌های عالم تحقیق است که پژوهشگر با آن همواره مواجه است و روایاتی هست که هنگام نقل قول‌ها از سینه‌ی به سینه دیگر و از ذهنی به ذهنی، همواره در شرح مطالبی واحد با تناقضی افسوالِ رایسان همراه است و گاه

اختلاف روایت به حدی است که محقق با این دشواری اساسی مواجه می‌گردد که سرانجام کدام روایت را باید پذیرد و کدام یک را با شک و تردید تلقی کند و کدام را بکلی نادیده انگارد؟ علاوه بر آن شناخت حقیقت در میان مطالبی که أحياناً با دین و تاریخ و طبیعت منطبق نیست و کیفیت بیان نویسنده جز از مقوله سفسطه و مقلطه ناشی از تعلق و تعلق به سلاطین عصر استبداد و یا حکام جور نمی‌تواند باشد - برای محقق کار چندان آسان و ساده‌یی نیست.

در مواردی ازین قبیل که بر شمرديم، پژوهشگر ضمن نقل آراء، آن‌ها را به محک نقد زده، ضعف و نقص و عجز و خطای موجود و یا احتمالی یکایک آن‌ها را باز نموده به نقد و اثبات و ابرام و یا ابطال و نقض درجه اعتبار آن‌ها پرداخته، مراعات اصلی حفظ اهمیت و حیثیت علمی و تداوم حسن شهرت و اهتمام در مراعات حفظ شریعت وی را به توغّل در تاریخ و نقد اخبار و اداری می‌کند و می‌کوشد تا درباره آن چه خود وی احاطه و تبحر کافی ندارد به ناروا و یا از روی قطع و جزم و یقین سخن نگوید. و بدین ترتیب محقق خویش را به عین البقین از چنگ ظن می‌رهاند^{۱۲} و کارش به جایی می‌رسد و به نتیجه‌ی می‌انجامد که در مقایسه با آراء پیشینیان و یا معاصران - شیوه کار او بکلی بی سابقه و از تازگی برخوردار خواهد بود.

زیرنویسها و منابع و مأخذ

۱ - دیوان کلیه کاشانی، ص ۲۰۵، تهران ۱۳۳۶
نش، کتابفروشی خیابان و بادداشت رقم این سطور، در «شرح بر مقامات اربعین» ص ۱۶۹ - شماره ۱۹۷۹
- انتشارات دانشگاه تهران.

۲ - اشاره به قصیده خواندنی ناصر خسرو:

نباید که حال و کار دگرسان کنم
هرج آن به است قصد سوی آن کنم
عالم به ماه نیسان، خرم شود
من خاطر از تفکر، نیسان کنم

«دیوان ناصر خسرو ص ۳۰۳ چاپ ۱۳۳۹ به

کوشش مهدی سهیلی»

۳ - زندگی بسی جُست و جو، افسردگیست
ناشکفتن، نوعی از پسر مردگیست

[دکتر عبدالحسین زرین کوب، «دفتر ایام» / ۶۸]

۴ - برای مثال «مردوسی» از یافتن شاهنامه

مشور ابومنصوری - که یگانه آرزوی وی و در تحصیل آن همواره به هر سو در جست و جو و نکابو بوده است، قرین شادی و مسرت گردیده و سروده است:

چو آورد این نامه نزدیک من
بر افروخت این جان تاریک من...

۵ - مرصاد العباد نجم الدین رازی ص ۱۲۸

چاپ شمس‌العرفاء

6 - «variety is the spice of life.»

۷ - آشفته سخن چو زلف جاتان خوش‌تر
چون کار جهان بی‌سر و سامان خوش‌تر
مجموعه عاشقان، بُود، دفتر من
مجموعه عاشقان پریشان خوش‌تر
[دیوان قاتنی ص ۴۴۴ - انتشارات کتابخانه
محمودی]

۸ - مثنوی، طبع نیکلسون ۳/۳۷۸۱

آفتی نبود بتر از نا شناخت
تر بر بار و ندانی عشق باخت

۹ - تولد که خاورشناس مشهور، برای کشف نسخه خطی «أصنام جاهلیه عرب» سالها کوشیده بود و ناکام مانده و سرانجام گفته بود: «آرزو دارم این کتاب را ببینم و بعیرم»

۱۰ - بیت پنجم از غزل شماره ۲۷۹ حافظ به

مطلع

هاتفی از گوشه میخانه دوش
گفت بپخشند گنه، می بنوش

است. [حافظ، تصحیح مرحوم پرویز ناتل خانلری
ص ۵۷۴]

۱۱ - با الهام از شعر ادیب نیشابوری:

به عین البقین جستم از چنگ ظن
که بیهوده بود آنچه انگاشتم